

---

## واکاوی مقاومت فعال در اندیشه رهبری با انگاره داستان حضرت یوسف علیهما السلام در قرآن کریم

---

محمد علی طاهری نژاد<sup>۱</sup>  
 امیر علی پور<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول)  
 زینب پورکاویان<sup>۳</sup>

### چکیده

نگاه تمثیلی به قصه‌های قرآن علاوه بر بخشی نگری در موضوع ویژه مانند هنر، می‌تواند آموزه‌های آن را در یک زمان محدودی قرار داده و از بار تربیتی فردی - اجتماعی آن بر اساس سنت نبوی - علوی که رسالت این کتاب جاوید و جامع است، بکاهد. ضرورت: واکاوی داستان‌های قرآن کریم ضرورت نیکویی است که کاربردی‌ترین وقایع متنوع و کارساز تاریخی را توانسته است با حفظ بُعد هدایتی آن به صورت آینه تمام نمای به روی مخاطبان بگشاید. لذا در این مقاله با استفاده از رویکرد تفسیری و تحلیل

---

M41taherynejad@gmail.com | استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مشهد، ایران

Alipour.rt@gmail.com | دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مشهد، ایران

(نویسنده مسئول)

@gmail.com V3poorkavian | دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

داده‌های نظری برای دستیابی به یکی از درس‌های اجتماعی - سیاسی شگفت‌انگیز آن، به انطباق داستان یوسف پیامبر با منویات مقام معظم رهبری علیه السلام در استفاده از تهدیدها برای فرصت‌سازی پرداخته می‌شود.

روش: در این مقاله با نگاهی درون‌دینی و به روش توصیفی - تحلیلی، با موضوع مقاومت فعال با گرایش راهکارهای تبدیل تهدیدها به فرصت و مقاومت آن حضرت، مبتنی بر آموزه‌های قرآن کریم و با تأکید بر سیره عملی حضرت یوسف علیه السلام و انطباق آن با بیانیه گام دوم انقلاب در اندیشه مقام معظم رهبری علیه السلام مورد بررسی قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش مبنی بر استفاده از راهکارهای مقابله‌ای توسط حضرت یوسف علیه السلام در مقابله با تهدیدهای گوناگون با روشی زیبا در فرصت‌سازی‌های جدید نظیر: استفاده از اسباب و ظرفیت‌های مادی و معنوی، استفاده از ظرفیت‌های فردی، تسلیم ناپذیری، به کارگیری شیوه‌های عملی و حل مسأله در شرایط تهدید، می‌توان در رسیدن به قلّه نظام اسلامی، یعنی تمدن نوین اسلامی دست یافت.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، داستان حضرت یوسف علیه السلام، تهدید، فرصت، مقاومت فعال.

## بیان مسأله

مواجه شدن انسان‌ها در زندگی با چالش‌هایی، آن‌هم از جنبه مثبت و یا منفی امری طبیعی است. خداوند بشر را طوری آفریده است که هرکس در شرایط و بنا به اقتضا زمانش چالشی فرارویش خواهد بود و احساساتش را تحت تأثیر قرار خواهد داد. گاهی این احساسات سرشار از مثبت‌اندیشی است و گاهی هم حسی منفی وجودش را فرا می‌گیرد و این مهم به عنوان اثرگذارترین باور است که می‌تواند موارد منفی را به مثبت تبدیل کند. باید دانست که فرصت‌ها همیشه موجودند، اما استفاده از آنها موقتی است و در زمان خاصی انسان می‌تواند به آن جامه عمل بپوشاند و به تعبیر روایتی از حضرت علی علیه السلام چون ابر در گذر هستند و باید آنها را غنیمت شمرد. در غیر این صورت غصه را در پی خواهند داشت (سید مرتضی: ۱۳۷۹؛ حکمت ۲۱ و ۱۱۸). به بیان دیگر در دل هر فرصتی، تهدیدی نهفته است و در درون هر تهدیدی، فرصتی نهفته است. از این روی هدف قرآن کریم نیز از بیان قصص قرآنی چیزی جز بیان احکام تشریحی و در کنار آن تربیتی-تعلیمی نیست. در این میان داستان زندگی حضرت یوسف علیه السلام و دلدادگی زنی به نام زلیخا به او و اتفاقات و جریاناتی که در این داستان رخ داده است، همه نکات تربیتی است که در زندگی هر جوانی در عصر حاضر ممکن است اتفاق بیفتد. از این روی، کسانی در این معرکه پیروز هستند که تهدید را به فرصتی جهت رشد و تعالی ارزش‌های انسانی به‌کار بندند و خود را از بند گرفتاری نفس نجات دهند. بر این اساس نگارندگان در این پژوهش سعی دارند که با تتبع در آیات قرآن کریم و نگاه ویژه به داستان قرآنی حضرت یوسف علیه السلام به این پرسش پاسخ دهند که «حضرت یوسف علیه السلام با چه انگاره‌هایی توانست تهدیدهای عرصه زندگی‌اش را به موفقیت و فرصت عالی تبدیل کند؟».

برآیند ما این است که مجموعه‌ای از عوامل مادی و معنوی در کنار هم سبب شد تا ایشان به مقام رشد برسند و خود را به عنوان الگویی در مقابل تهدیدها و مقاومت در برابر آنها معرفی کند. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع تفسیری و حدیثی

و نظر مفسران بزرگ درصدد است که فرضیه فوق را ثابت کند و با مطالعه سیره عملی و اخلاقی یوسف پیامبر علیه السلام درباره شیوه‌های تبدیل هر تهدید به موفقیت و فرصتی عالی که به نفع جامعه آن عصر بود را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. نظام جمهوری اسلامی هم که بر پایه مکتب قرآن کریم بنیان نهاده شده است و به طبع در عصر حاضر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی هم که توسط مقام معظم رهبری بیان شده است، می‌تواند با توأم قرار دادن هر دو، مسیر روشنی را برای تبدیل تهدیدها به فرصت در عرصه نظام کنونی ترسیم کند. شایان ذکر است که در منظومه قصص قرآن کریم تبدیل تهدیدها به فرصت و فرصت آفرینی در زندگی هر یک از انبیا الهی مشاهده می‌شود، اما پیشینه‌ای که بخواهد پژوهش مورد نظر را مورد مذاقه قرار دهد و با بیانیه گام دوم در عصر کنونی تطبیق و بازخوانی نماید، وجود ندارد. شایان ذکر است که این موضوع را می‌توان با کنکاشی در کتب تفسیری و قصص قرآن گسترش داد و ابعاد گوناگونی از آن را نمایان ساخت. لذا نوآوری نوشتار پیش رو دسته بندی تهدیدهای موجود در زندگی حضرت یوسف علیه السلام و تبدیل آنها به فرصت و تطابق آنها با بیانیه گام دوم انقلاب است که به معرفی الگویی مناسب برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی در بستر فرصت سازی می‌تواند راهگشای همگان باشد.

#### ۱. سوره یوسف علیه السلام از نگاه مفسران

به وضوح دیده شده است که عده‌ای از گذشته قصد داشته‌اند، داستان حضرت یوسف علیه السلام را با هدف‌های پست و آلوده آمیخته و از آن یک داستان عشقی و محرک برای هوسبازان بسازند و چهره زیبا و واقعی سرگذشت این داستان قرآنی را محو و نابود کنند. بنابراین به تعبیر قرآن کریم که می‌فرماید: (هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ) (آل عمران/۱۳۸) این (قرآن) برای مردم بیانگر (حوادث و واقعیات) و برای پرهیزکاران و صاحبان خرد و اندیشه، سراسر هدایت و اندرز است؛ نشان می‌دهد که با عنایت به این داستان قرآنی و ابعاد آن که عالی‌ترین درس‌های عفت، خویش‌داری (تقوا) و ایمان به انسان می‌آموزد، می‌توان به عنوان نسخه‌ای انسان ساز از آن برای قرن‌ها یاد کرد. طبق نقل

منابع تاریخی در عصر هر پیامبری با توجه به شرایط زمان، اتفاقاتی برای آن فرستاده الهی رخ داده است که زندگی آن پیامبر در بُعدی خاص الگو و سرلوحه بشر شود (طبرسی، ۳۱۸/۱۳۷۲؛ شریف لاهیجی، ۲: ۴۹۳/۱۳۷۳؛ قرشی، ۵: ۸۲/۱۳۷۷). در ادامه به نمونه‌های قرآنی اشاره می‌شود که پیامبرانی در ابعاد گوناگون برای مردم عصر خود و اعصار بعد اسوه و الگو باشند:

حضرت نوح علیه السلام قهرمان صبر و استقامت، در زمانی زندگی می‌کردند که در برابر قومی لجوج و گستاخ قرار گرفته بودند و خداوند به ایشان عمر طولانی عطا می‌کند تا وظیفه خود را به پایان برساند.

حضرت ابراهیم علیه السلام نیز قهرمان بت شکن در زمانی ظهور می‌کند که سرزمین بابل را سراسر، شرک و بت پرستی فراگرفته بود و نمرود نیز به عنوان پادشاه ستمگر بر آن حکومت می‌کند و ابراهیم علیه السلام با روح بلند و سازش ناپذیرش در برابر طاغوتیان به مبارزه می‌ایستد. حضرت موسی علیه السلام هم به عنوان قهرمان تربیت جمعیتی است که در برابر یک طاغوت عصیانگر (فرعون) گرفتارند و راه رهایی برای خود نمی‌یابند.

یوسف پیامبر علیه السلام نیز در داستان قرآنی قهرمان پاکی، پارسایی و تقواست که در برابر یک زن زیبا، هوسباز و حيله‌گر به مبارزه پرداخته است (مکارم شیرازی، ۱۴۰: ۱۳۸۹ - ۱۳۹۰) در تمامی داستان های قرآن کریم قصه‌گو خداوند است و داستان‌ها همه واقعی و به دور از خیال پردازی است. از همین جهت می‌توان گفت که همه داستان‌ها از جهاتی «أحسن القصص» هستند، اما دلیلی وجود داشته است که خداوند از این داستان به «أحسن القصص» یاد کرده است. از این روی ویژگی‌های خاصی وجود دارد که این داستان را از سایر داستان‌های قرآن کریم متمایز می‌کند. از مهم‌ترین این دلایل می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

#### ۱.۱. عاقبت به خیری عناصر داستان

باید گفت که این ویژگی نیز در داستان حضرت ایوب علیه السلام و حضرت یونس علیه السلام وجود دارد. بنابراین به عنوان یک ویژگی منحصر به فرد نمی‌توان یادکرد. در این داستان برادران

یوسف عَلَيْهِ السَّلَام به اشتباهات خود اعتراف کرده و در نهایت توبه و استغفار نمودند. فراق به وصال، نابینایی به بینایی، خشکسالی به وفور و فراوانی نعمت، اتهامات به اعترافات و پاکدامنی و در نهایت غم و اسارت به آزادی و شادی ختم شد؛ حتی زلیخا در نهایت عاقبت به خیر شد (مجاهدی، ۲۲: ۱۳۹۳).

آنچه که داستان یوسف پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام را به عنوان برترین داستان قرآنی در بین قصص قرآن معرفی می‌کند، مخالفت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام در برابر قوی‌ترین نیروی سوق‌دهنده انسان به سمت گناه (نفس اماره) است؛ چنانکه می‌فرماید: (وَمَا أُبْرِيئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ) (یوسف/۵۳) من هرگز خودم را تبرئه نمی‌کنم، که نفس (سرکش) بسیار به بدیها امر می‌کند مگر آنچه را پروردگارم رحم کند! پروردگارم آمرزنده و مهربان است. در هیچ جایی از قرآن کریم خداوند به تعدادی که در سوره شمس قسم یاد کرده است، قسم نخورده و این نشان از اهمیت این موضوع دارد که هرکس در تلاش تزکیه نفس باشد، رستگار خواهد شد و به سعادت حقیقی خواهد رسید. علت آن هم این است که نیروی شهوت قوی‌ترین نیرویی است که می‌تواند انسان را به ورطه نابودی بکشاند و هرکس که بتواند در مقابل آن استقامت ورزد و زیر بار خواسته و امیال نفسانی خود نرود، به تعبیر قرآن پیروز و سعادت‌مند است و فلاح و رستگاری از آن اوست.

#### ۲.۱. تضاد و تقابل جزئی

یکی از موارد شگفت و اعجاب‌آور این داستان، تضاد و تقابل وقایع نیک و بد به صورت جزئی و مقطعی مشاهده می‌شود. برای نمونه اگر روزی برادران پیراهن دروغ خون آلود یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را می‌آورند، روزی هم پیراهن شفا بخش آن حضرت را نزد پدر آورده، غم‌هایش زدوده و بینایی‌اش باز می‌یابد. در داستان‌های دیگر تاریخی و قرآنی، حادثه‌ای شر در ابتدای داستان و حادثه‌ای خیر در پایان داستان مشاهده می‌شود. از این روی این یکی از جلوه‌های زیبای داستان است که تنها به بیان یک خواب و تأویل آن و به حقیقت پیوستن آن در پایان به آخر می‌رسد. (مجاهدی، ۱۳۹۳: ۲۳).

### ۱.۳. تأکید ویژه خداوند در قرآن

همه داستان‌های قرآن کریم برای خردمندان عبرت آموزی دارد و همه به نحوی به بیان سنت‌ها و قانون‌مندی‌های الهی پرداخته‌اند. اما طبق بیان صریح خود قرآن کریم داستان حضرت یوسف علیه السلام به مراتب بیشتر از سایر داستان‌ها از نکته‌ها، پندها و عبرت‌ها برخوردار است. خداوند تبارک و تعالی در تأثیر این موضوع می‌فرماید: (لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلسَّائِلِينَ) (یوسف/۷)؛ بی‌تردید در [سرگذشت] یوسف و برادرانش نشانه‌هایی (از ربوبیت، رحمت و لطف خدا) برای مردم کنجکاو است. بنابراین باید دانست که نظیر چنین تعبیری در آیات قرآن دیده نمی‌شود و این داستان به مراتب از مطالب متنوع‌تر و گسترده‌تری در تمامی حوزه‌ها برخوردار است. وجود چنین داستانی دلایل خاصی دارد از جمله اینکه در داستان یوسف و برادرانش عبرت‌ها و شگفتیهایی است برای پرسش‌کنندگان از احوال ایشان، از آن جمله اینکه جمعی از فرزندان پیامبران الهی در صدد آزار و قتل برادر خود برآمدند و حسد در وجود آنان باعث چنین اقدامی شد که در انتها یوسف آنان را بخشید و از خطای آنان چشم‌پوشی و اغماض کرده و بلکه در عوض بآنها نیکی کرد که این خود فوق یک جریان عادی و طبیعی است، دیگر اینکه خداوند قانون هستی را طوری طراحی کرده است که پس از هر شدت و سختی گشایش و آسایشی خواهد بود و دیگر آنکه این سوره دلیل بر صحت نبوت پیغمبرگرمی اسلام است، زیرا آن حضرت کتابی نخوانده و به مکتبی نرفته بود، و نقل این داستان با این کیفیت فقط از طریق وحی ممکن به نظر می‌رسد، و از این رو این سوره مبارکه موجب افزایش بصیرت انسان‌هایی شده که از آن حضرت درخواست نقل آن را کرده بودند، معجزه و گواهی برای درستی گفتار وی است. (طبرسی، ۵، ۳۱۸/۱۳۷۲؛ شریف لاهیجی، ۲: ۴۹۳/۱۳۷۳؛ مجاهدی، ۱۳۹۳: ۲۴).

### ۲. مفهوم‌شناسی تهدید

تهدید (threat) و جمع آن تهدیدات، در لغت به معنای ترساندن، بیم دادن، بیم کردن است (معین، ۵۰۳: ۱۳۸۱). تهدید در اصطلاح به معنای توانایی‌ها، نیت‌ها، و اقدام‌های

دشمنان بالفعل و باقوه (درونی و بیرونی) برای جلوگیری از عدم پیشرفت فردی و اجتماعی و در ابعاد بزرگ‌تر، بُعد ملی است، به گونه‌ای که دستیابی به مقاصد و علایق به خطریفتند (تاجیک، ۱۳۸۱: ۵۳) این مهم مقوله‌ای نسبی، زمینه مند، سیال و... است. از انواع تهدیدات می‌توان تهدید نظامی، تهدید اقتصادی، تهدید فرهنگی - اجتماعی، تهدید زیست محیطی، تهدید سیاسی را نام برد که در داستان حضرت یوسف علیه السلام به نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم. (کریمی و بابایی، ۱۳۹۰: ۵۶ - ۶۲ - ۶۸).

ضعف کشورها و سوسه حمله را به وجود می‌آورد. کشورها می‌توانند با افزایش توان دفاعی ساخت یا خرید تسهیلات نمایش قدرت و اعمال سیاست بازدارندگی مؤثر و... ضریب تهدید را به کمترین میزان برسانند (کریمی و بابایی، ۱۳۹۰: ۶۲). فقدان تهدید زمانی معنا دارد که کشور توانایی، قدرت مقاومت و بازدارندگی یا مقابله به مثل داشته باشد (خلیلی، ۱۳۸۳: ۱۲۳).

### ۳. فرصت سازی از تهدیدها از نگاه رهبری

درون نفس تهدید، فرصت وجود ندارد و از آن جهت که تهدید است، آسیب‌زا، آفت‌زا و براندازنده است. تبدیل تهدید به فرصت بدین معنا است که در خلال آسیب‌ها، بحران‌ها و مشکلات، به ظرفیت‌ها، موقعیت‌ها و توانمندی‌های خود متمرکز شده و توجه نماییم و از آنها استفاده کنیم. به عبارتی دیگر، از این جهت تهدیدها زمانی تبدیل به فرصت می‌شوند که مسبب رجوع به ظرفیت‌ها باشند. تهدیدها موجب زایش فرصت می‌شوند. تهدیدها می‌توانند خاصیت زاینده‌گی و تولید داشته باشند. البته به‌طور ثانوی و در بیرون از خودشان؛ نه در ذات خود.

در کلام مقام معظم رهبری نیز به تبدیل تهدید به فرصت اشاره شده است. چنانکه ایشان نوآوری‌ها، ابتکارات و پیشرفت‌های کشور را برخاسته از محدودیت‌های موجود می‌دانند:

«ما توانستیم از همین محدودیت‌ها به عنوان یک فرصت استفاده کنیم. همین منع‌ها و



تحریم‌ها و محدودیت‌ها موجب شد که ما در میدان‌های نوآوری و ابتکار، در همه زمینه‌ها، به پیشرفت‌هایی دست پیدا کنیم که کشورهای منطقه در طول سال‌های متمادی هم نتوانستند به آن پیشرفت‌ها دست پیدا کنند.» (رهبری، بیانات در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت

کرمانشاه ۲۰/۰۷/۱۳۹۰). <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17659>

اما سؤال این است که عامل و رمز تبدیل تهدید به فرصت چیست؟ در بیانات رهبر معظم انقلاب، به دفعات و به شکل‌های مختلف بدان اشاره شده است. ایشان تکیه به ظرفیت‌ها و نیروهای داخلی خود کشور را عامل برخاستن و تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها می‌دانند؛ چنانکه می‌فرمایند:

«بنابراین، تهدید تحریم را که یک تهدید واقعی و یک جنایت حقیقی است، می‌توان

تبدیل به فرصت کرد؛ به این شکل که به ظرفیتهای داخلی و نیروهای داخلی خودمان تکیه

بکنیم.» (امام خامنه‌ای، سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران ۰۱/۰۱/۱۴۰۰) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47576>

«وقتی ما تحریم بشویم، به استعداد و ظرفیت داخلی رومی آوریم، از داخل رشد می‌کنیم؛

همچنان که در این سی سال این مسئله اتفاق افتاده است.» (بیانات رهبری، در خطبه‌های

نماز جمعه ۱۴/۱۱/۱۳۹۰) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923>

از مطالب گذشته چنین برداشت می‌شود که گاهی کمبودها، تحریم در زمینه‌های

مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، قرار گرفتن در فشارهای مادی و غیره سبب توجه

انسان به تهدید به وجود آمده می‌شود و به تعبیر مقام معظم رهبری انسان‌های آگاه هستند

که با توجه به ظرفیت‌های موجود داخلی می‌توانند فرصت آفرینی کنند و خودشان را از

شرایط فعلی نجات دهند. به بیان واضح‌تر فرصت‌ها موهبت‌های ارزشمندی از جانب

خدای رحمان و کائنات او هستند که فقط انسان‌های هوشیار و آگاه آنها را می‌بینند و آنها

را به ثروت‌ها و دستاوردها جهت رشد فردی و اجتماعی خود تبدیل می‌کنند و اسباب رشد

دنیوی و اخروی خود را فراهم می‌کنند.

#### ۴. روش‌های تبدیل تهدیدها به فرصت در داستان حضرت یوسف علیه السلام

خداوند متعال در این سوره که به عنوان بهترین داستان قرآنی از آن نام برده شده است، زندگی حضرت یوسف علیه السلام را که میدان و عرصه‌ای برای تبدیل تهدیدها به فرصت است و به تعبیری زیباتر، آموزش فرصت آفرینی به مخاطبش است، را به تصویر می‌کشد. با نگاهی دقیق‌تر به آیات این سوره می‌توان مواردی که آن حضرت شیوه‌های کاربردی و عملی از تبدیل تهدیدها به فرصت را استخراج کرد و الگویی مناسب جهت عملی سازی بیانیه گام دوم رهبر انقلاب دانست.

#### ۱.۴. مقوله استمداد از اسباب مادی

گاه انسان می‌تواند از طریق تبدیل و استفاده مطلوب از ابزار مادی، تهدیدهای موجود زندگی اش را فرصت تبدیل کند و راه نجات را برای خویش هموار سازد. از روش‌های حضرت یوسف علیه السلام برای تبدیل تهدید به فرصت، استفاده از اسباب مادی بود، زمانی که آن حضرت توسط برادرانش به داخل چاه انداخته شد (یوسف: ۱۰ و ۱۵)،<sup>۱</sup> تا محو و نابود شود و اثری از او باقی نماند، برادرانش تصور این موضوع را هم نمی‌کردند که او بتواند با کمک دلوی آبی که برای کشیدن آب به داخل چاه انداخته می‌شود، نجات پیدا کند. لذا پس از این حادثه در نزدیکی چاه کاروانی از مدین به سوی مصر در حال گذر بود که نیاز به آب داشتند و هنگامی که دلوی آب یکی از کاروانیان به داخل چاه می‌رسد، یوسف به آن می‌چسبد و بدین وسیله از چاه خارج می‌شود، آنجا که فرمود: (وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ) و کاروانی آمد. پس آب‌آور خود را فرستادند. و دلوش را انداخت. گفت: «مژده! این يك پسر است!» و او را چون كالایی پنهان داشتند. و خدا به آنچه می‌کردند دانا بود. (یوسف/ ۱۹) (طوسی، بی تا: ۱۱۴/۶؛ طبرسی، ۵: ۳۲/۱۳۷۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق:

۱. قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (یوسف/ ۱۰): أَرْسَلْنَا مَعَنَا عَدَاً يَزْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (یوسف/ ۱۲).

۱۱/۱۰۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق: ۱۱/۳۲). دلوی آب را می‌توان یک نمونه از اسباب مادی در عالم هستی و کائنات خداوند دانست که در این حادثه یوسف پیامبر از آن استفاده نمود و تهدید برادران به مرگ و همچنین کاروانیان به دزدیدن او توسط آنها را به جان خرید و این تهدید را به فرصتی تبدیل نمود تا از چاه ظلمت به شهر و عزیز مصر شدن عزیمت کند.

#### ۲.۴. استفاده از ظرفیت‌های فردی در مواجهه با تهدیدها

هر فرد در حیطة فردی و اجتماعی از این ظرفیت برخوردار است که بتواند با هرنوع تهدیدی رو به رو شود. خداوند متعال انسان را طوری خلق کرده است که از جهت برخورداری از نعمات به صورت یکسان قرار گرفته است و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد، مگر در قضیلت انسانی تقوا.<sup>۱</sup> در سوره یوسف آیه ۲۳ اشاره شده است به زمانی که زلیخا میل کامجویی از یوسف علیه السلام را پیدا کرد؛ لذا خود را برای او آماده کرده و به زیباترین وجه ممکن درآورد تا بتواند نظر او را جلب کند، پس درها را نیز یکی پس از دیگری بر روی خود و یوسف علیه السلام می‌بندد: (وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْت لَكَ...) تا یوسف را آلوده به گناه کند. برخی ذیل این آیه گفته‌اند که مراد از درب‌ها هفت در بوده؛ برخی نیز گفته‌اند مراد درب خانه و درب اتاق بود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/۳۴۱). آنچه اهمیت دارد، این است که فضا برای چنان مرادده‌ای مهیا و وسوسه برانگیز بود. در چنین شرایطی حضرت یوسف به خاطر ایمان و تقوایی که داشت، به خداوند پناه برده و می‌فرماید: (قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ) برخی گفته‌اند مرجع ضمیر إنَّه به خداوند متعال باز می‌گردد؛ برخی گویند به عزیز مصر بر می‌گردد که تکفل او را بر عهده داشته است (طبرسی، ۵، ۱۳۷۲/۳۴۱؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۵/۱۰۸).

چالش‌ها و تهدیدها را، در هر زمانی می‌توان به فرصت به تبدیل کرد و از آن برای خود یک شاهکار ساخت. باید توجه کرد که چالش‌ها و مشکلات را خود انسان به وجود می‌آورد،

---

۱. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات/۱۳)

جرا که خداوند مصدر الخیرات است و از او شرّ صادر نمی‌شود. هر انسانی دارای ظرفیت‌هایی است که در هر موقعیت اگر اندیشمندانه نگاه کند، می‌تواند چالش و تهدید پیش روی خود را به فرصتی عالی تبدیل کند.

#### ۳.۴. گرایش به ظرفیت‌های معنوی و استفاده مطلوب از آن

از دیگر موارد و مصادیق تبدیل تهدیدها به فرصت در داستان حضرت یوسف علیه السلام زمانی است که زلیخا قصد یوسف کرده و برای آنکه او را به دست آورد، پیراهنش را چنگ می‌زند، آنجا که می‌فرماید: (وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يَسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ \* قَالَ هِيَ رَاوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي وَ شَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ) و آن دوبه سوی در بر یکدیگر سبقت گرفتند، و [آن زن] پیراهن او را از پشت بدرید و در آستانه در آفتاب آن زن را یافتند. زن گفت: «کیفر کسی که قصد بد به خانواده تو کرده چیست؟ جز اینکه زندانی یا [دچار] عذابی دردناک شود\* [یوسف] گفت: «او از من کام خواست.» و شاهدی از خانواده آن زن شهادت داد: «اگر پیراهن او از جلو چاک خورده، زن راست گفته و او از دروغ‌گویان است، (یوسف / ۲۶ - ۲۵)

قرار گرفتن در چنین موقعیت‌هایی شاید برای هر فردی ممکن و ساده به نظر برسد، اما استفاده از آن و تبدیل آن به فرصت هدایتی فقط در حیطه پیامبری چون حضرت یوسف علیه السلام امکان پذیر است. نکته شایان ذکر آیه این است که "قط" در زبان عربی به معنای پاره کردن است به صورت کلی و عام است، "قد" نیز به معنای پاره کردن از طول است، ولی "قط" به معنای پاره کردن از عرض است، و کلمه "دبر" و "قبل" به معنای پشت و جلو است که اشاره به دریده شدن پیراهن از پشت و جلو دارد. در این جریان همسر عزیز مصر پیشتازی می‌کند و تهدید به اینکه من از یوسف شاکی هستم و متعرض به اینکه او به من تجاوز کرده است و باید او را مجازات کنی، حال یا به زندان و یا عذابی سخت که تنبیه برای او باشد. نکته اینکه اگر دیده می‌شود که زلیخا مجازات را هم برای او تعیین نکرد، بلکه

میان زندان و عذاب الیم مردد گذاشت، به این جهت است که دلش آکنده از عشق به یوسف بود، و این عشق و علاقه اجازه نمی‌داد که بطور قطع تعیین کند. درباره اینکه دقیقاً شهادت این بحث توسط چه کسی اتفاق افتاده است، اختلاف نظرهایی وجود دارد، برخی گفته‌اند که وی مردی حکیم بوده که در پاسخ عزیز که مشکل خود را با او در میان نهاده چنین حکم کرده است (نقل از حسن و قتاده و عکرمه) (طبرسی، ۵، ۱۳۷۲ / ۲۲۷). برخی دیگر گفته‌اند که او پسر عموی زلیخا بوده که با عزیز در پشت در قرار داشتند. بعضی دیگر هم گفته‌اند او را از جنس جن و بشر ندانسته، بلکه خلقی از خلائق خدا بوده است (نقل از مجاهد). ولی این وجوه مردود است، برای اینکه قرآن صراحت دارد بر اینکه "او از اهل زلیخا" بوده و از طرق اهل بیت علیهم السلام و بعضی طرق اهل سنت نقل شده که شاهد نامبرده، کودکی در گهواره و از کسان زلیخا بوده است، (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵ / ۲۲۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷:ق/۱۱/۱۴۲) در این موقعیت کودکی که گهواره بود، علیه پاکدامنی یوسف علیه السلام شهادت داد و این تهدید دیگری بود که یوسف پیامبر به فرصت تبدیل کرد، زمانی که پیراهنش از پشت دریده شده بود و به اذن خداوند از کودکی که در گهواره بود به حرف آمد و شهادت به پاکدامنی ویوسف پیامبر علیه السلام داد.

#### ۴.۴. ضرورت نگاه عمیق به پیش بینی های دینی و تسلیم ناپذیری

پس آنکه حضرت یوسف درخواست زلیخا را اجابت نکرد و از مکانی که همسر عزیز مصر برای کامجویی از یوسف فراهم کرده بود، گریخت و پیراهنش توسط زلیخا پاره شد، وی برای اینکه سخن خود را به دیگران و همسرش به اثبات برساند که زیبایی یوسف باعث شده است که من تن به گناه با او را بدهم، (قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا أَمَرْتُهُ لَيَسْجَنَنَّ وَ لَيَكُونَا مِنَ الصَّاغِرِينَ) (یوسف/۳۲)<sup>۱</sup> لذا

۱. [زلیخا] گفت: «این همان است که درباره او سرزنش می‌کردید. آری، من از او کام خواستم و [ولی] او خود را نگاه داشت، و اگر آنچه را به او دستور می‌دهم نکند قطعاً زندانی خواهد شد و حتماً از خوارشدگان خواهد گردید.

مجلسی فراهم دید که همه زنان مصر حضور یافتند و زیبایی حیرت‌انگیز یوسف نیز آن‌ها را به خود جلب کرد، از این روی پس از آنکه خواسته‌های زلیخا برآورده نشد، یوسف زندان شهر را به زندان شهوت ترجیح داد، آنجا که می‌فرماید: (قَالَ رَبِّ السَّجُنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَالْأَتَّصِرُفِ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ \* فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ \* ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيْسَجُنُّهُ حَتَّىٰ حِينٍ) [یوسف] گفت: «پروردگارا، زندان برای من دوست داشتنی‌تر است از آنچه مرا به آن می‌خوانند، و اگر نیرنگ آنان را از من بازگردانی، به سوی آنان خواهم گرایید و از [جمله] نادانان خواهم شد پس، پروردگارش [دعای] او را اجابت کرد و نیرنگ زنان را از او بگردانید. آری، او شنوای داناست (یوسف/ ۳۵- ۳۳)

از این روی از مجموع این جریانات آن مجلس روشن شد که یوسف يك جوان عادی و معمولی نیست، بلکه پاکی او به قدری است که هیچ قدرتی نمی‌تواند او را وادار به گناه کند و او را آلوده سازد و نشانه‌های این پاکی از جهات مختلف روشن شد، پاره شدن پیراهنش از پشت سر، و مقاومت کردن وی در برابر وسوسه‌های زنان مصر، و آماده شدن او برای رفتن به زندان، و عدم تسلیم در برابر تهدیدهای همسر عزیز به زندان و عذاب الیم، همه دلایلی بود که پاکی او را به اثبات می‌رساند، دلایلی که کسی نمی‌توانست آن‌ها را انکار کند (مکارم شیرازی، ۹: ۱۳۷۴/۴۰۵).

بنابراین یوسف پیامبر علیه السلام به جهت داشتن جهان بینی عمیق و نگاه ژرف اندیشانه اش، چالش به وجود آمده برای خود را برای لحظاتی فراموش نمی‌کند و خود را از محبوبش خدای متعال جدا نمی‌کند و تهاجم و تهدید زلیخا به رفتن به زندان و فرصت آفرینی جدیدی برای خود فراهم می‌کند تا از دل زندان بتواند رسالت پیامبری خود را نیز به انجام برساند. حضرت یوسف علیه السلام زندان شهر را به آلودگی زندان شهوت ترجیح داد و تهدید رفتن زیر بار خواسته‌های زلیخا را از خود دور و آن را تبدیل به ریاضت بدنی و رنج زندان مبدل کرد و ثابت قدم بودن خود را در مسیر هدایت بشر برای همگان آشکار ساخت.

#### ۵.۴. به کارگیری شیوه‌های عملی و اهتمام به پاسخگویی تهدیدها

پس از اینکه افتضاح جنسی خاندان عزیز مصر برملا شد و پاکی یوسف ثابت شد، وی را، راهی سیاه چال زندان کردند و هدف عزیز مصر و مشاورانش از این کار این بود که بتوانند از این طریق او را از چشم همگان محو و نابود کنند و نامی از او باقی نماند. از این رو نیز قرآن کریم نقل می‌کند: (ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيْسَ جُنُنَهُ حَتَّىٰ حِينٍ) (یوسف / ۳۵) بعد از آنکه آنها آیات و نشانه‌های (پاکی یوسف) را دیدند تصمیم گرفتند که او را تا مدتی زندانی کنند شایان ذکر است که در زمان ورود یوسف به زندان دو جوان نیز همراه او وارد زندان شدند (وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٍ) (یوسف / ۳۶) در بدو ورود یوسف خود را در زندان برای زندانیان معرفی کرد و به آنها اطلاع داد که در مورد تعبیر خواب اطلاعاتش وسیع است، و بعضی گفته‌اند سیمای ملکوتی یوسف نشان می‌داد که او یک فرد عادی نیست، بلکه فرد آگاه و صاحب فکر و بینش است و لا بد چنین کسی می‌تواند مشکل آنها را در تعبیر خواب حل کند. یوسف از آغاز ورودش به زندان، با اخلاق نیک و حسن خلق و دلداری زندانیان و خدمت آنها و عیادت از مریضان نشان داده بود که یک فرد نیکوکار و گره گشا است به همین دلیل در مشکلاتشان به او پناه می‌بردند و از او کمک می‌خواستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۹: ۴۰۷).

یوسف در زندان از این تهدید عزیز مصر و همسرش استفاده کرد و برای خود فرصتی دیگر آفرید. او در زندان با همه اقشار مردم ارتباط برقرار می‌کرد، زندان باعث شد که او نه تنها ارتباطش با خدای متعال کم رنگ تر نشود، بلکه زندان را به مسجد تبدیل کرد تا بتواند در آنجا به راز و نیاز و عبادت مشغول شود و همگان را به این مهم فراخواند. یوسف پیامبر علیه السلام از زندان به عنوان مسجد استفاده کرد و علاوه بر اینکه خود مشغول راز و نیاز عبادت با پروردگارش بود، باعث شد که دیگران نیز او را انسانی فوق انسان های عادی دانسته و او را پیشوای خود قرار دهند و وی نیز مانند تمامی پیامبران و ابناء گذشته خودش به راهنمایی و ارشاد زندانیان پرداخت.

## ۶.۴. معیار قراردادن روش حل مسأله و تدابیر صحیح در مواجهه با تهدیدها

سرانجام روزی فرا رسید که برادران یوسف به او نیازمند شدند و قحطی سرزمین مصر و کنعان را فراگرفته بود و برای تهیه آذوقه خود لازم بود که به عزیز مصر دوران مراجعه کنند. آنها به دو مرحله به عزیز مصر مراجعه کردند، در مرتبه اول یوسف از فرصت به وجود آمده استفاده کرد تا بتواند بار دیگر برادرانش را به مصر بکشاند و نقشه او این بود که جام گران قیمتی را در وسایل برادرانش مخفی کرد تا به آنها بفهماند که مرتکب عمل زشتی شده‌اند، لذا یکی از برادران را طبق قانون و رسم کنعانیان به اسارت گرفت و از آنها قول گرفت که بار دیگر که می‌آیند، برادرشان، بنیامین را نیز با خود بیاورند، (وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ قَالَ اِثْنُونِي بِاَخِ لَكُمْ مِنْ اَبِيكُمْ اَلَا تَرَوُنَّ اَنِّي اَوْفَى الْكَيْلِ وَاَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ \* فَاِنْ لَمْ تَأْتُونِي بِهٖ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ \* قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ اَبَاهُ وَاِنَّا لَفَاعِلُونَ) و چون آنان را به خوار و بارشان مجهز کرد، گفت: «برادر پدری خود را نزد من آورید. مگر نمی‌بینید که من پیمانانه را تمام می‌دهم و من بهترین میزبانانم؟ \* پس اگر او را نزد من نیاوردید، برای شما نزد من پیمانانه‌ای نیست، و به من نزدیک نشوید \* گفتند: «او را با نیرنگ از پدرش خواهیم خواست، و محققاً این کار را خواهیم کرد (یوسف ۶۱/ ۵۹) در مرتبه بعد برادران توصیه عزیز مصر را عملی ساخته و برادر کوچک خود را علاوه بر میل باطنی پدر به مصر آوردند. هنگام ورود به مصر، یوسف پیامبر علیه السلام در کمال احترام برای همه برادران، آنها را به ضیافتی دعوت کرد و از این تهدید پیش آمده فرصتی ساخت تا بتواند خودش را به برادرانش معرفی کند، او دستورداد تا هر دو نفر از برادران در کنار سفره یا طبق غذا قرار گیرند، تا از این رهگذر بتواند خودش را معرفی کند. در این هنگام بنیامین که تنها مانده بود گریه را سرداد و گفت: اگر برادرم یوسف زنده بود، مرا با خود بر سر یک سفره می‌نشاند، چرا که از یک پدر و مادر بودیم، یوسف روبه آنها کرد و گفت: مثل اینکه برادر کوچکتان تنها مانده است؟ من برای رفع تنهائیش او را با خودم بر سر یک سفره می‌نشانم! سپس دستورداد برای هر دو نفر یک اطاق خواب مهیا کردند، باز بنیامین تنها ماند یوسف گفت: او را نزد من بفرستید، در این هنگام یوسف برادرش را نزد خود جای داد،



اما دید او بسیار ناراحت و نگران است و دائماً به یاد برادر از دست رفته اش یوسف می باشد، در اینجا پیمانانه صبر یوسف لبریز شد و پرده از روی حقیقت برداشت، چنان که قرآن می گوید: (وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يَوْسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) و هنگامی که بر یوسف وارد شدند، برادرش [بنیامین] را نزد خود جای داد [و] گفت: «من برادر تو هستم.» بنابراین، از آنچه [برادران] می کردند، غمگین مباش (یوسف/۶۹) (مکارم شیرازی، ۱۰: ۱۳۷۴ / ۳۴). برادران نیز از دیدن این صحنه حیرت زده شدند و از وی پرسیدند: (قَالُوا أَإِنَّكَ لَأَنْتَ يَوْسُفُ قَالَ أَنَا يَوْسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ) گفتند: «آیا تو خود، یوسفی؟» گفت: «[آری،] من یوسفم و این برادر من است. به راستی خدا بر ما منت نهاده است. بی گمان، هر که تقوا و صبر پیشه کند، خدا پاداش نیکوکاران را تباہ نمی کند.» (یوسف/۹۰)

حضور برادران در انتهای داستان و معرفی نکردن خود به آنها نمونه ای دیگر از داستان تبدیل تهدیدها به فرصت است، تبدیل به فرصت آنجاست، زمانی است که یوسف به آنها می گوید برادر کوچک تان را بیاورید تا به او و شما غلّه و گندم بدهم. آن حضرت از این ترس و تهدید استفاده کرده و آن را به فرصت ضیافتی تبدیل می کند و در ضیافت مهمانی یوسف خود را به بنیامین معرفی می کند.

۵. انطباق ویژگی های منحصر به فرد یوسف پیامبر علیه السلام و شاخصه های مهم در بیانیه

### گام دوم انقلاب

زندگی یوسف پیامبر علیه السلام صحنه زیبایی از آفرینش و تبدیل تهدیدها به فرصت است. ویژگی های بارز آن حضرت از جمله تقوا و خویشتن داری، صبر و امانت نسبت به همه اقشار جامعه، راستگویی و صداقت، محاسب درست بودن در امور حکومتی و سیاست، تدبیر درست و جامع در لحظات سخت و مشکل، ثابت قدم بودن، در نظر گرفتن همه اقشار جامعه در توزیع ثروت و اندوخته ها همه بخشی از این موارد است. با توجه به منویات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب نظام الگودهی تبدیل تهدیدها به فرصت در زندگی

پیامبری چون حضرت یوسف علیه السلام بسیار راهگشا خواهد بود؛ چرا که آنچه در بیانیه گام دوم انقلاب آمده است مثلی جدید و شیوه و بیانی نواز مسائل عصر حضرت یوسف علیه السلام است. توصیه رهبر انقلاب به دانشمندان در عرصه علم و دانش همان استقاده آگاهانه حضرت یوسف از علمش در راستای هدایت مردم است، معنویت و اخلاق آن حضرت نیز که در بیانیه جزء توصیه هاست در سرتاسر داستان حضرت یوسف از دوران کودکی تا به بردگی گرفتن و عزیز مصر شدن نمایان و آشکار است. توزیع درست ثروت موج میان مصریان و اهالی مراجعه کننده به کاخ عزیز مصر نیز نمایانگر توصیه مقام معظم رهبری به اقتصاد و تکیه به داخل و نهایتاً اقتصاد مقاومتی است. عدالت و مبارزه با فساد زمانی را در بهترین داستان قرآنی نشان می‌دهد که یوسف در برابر تهدید برادرانش به قتل و یا تهدید زلیخا به آلوده کردنش و یا زندان شهر نشان از مبارزه دائمی در همه شرایط با انسان‌های فاسد و شرایط فساد گونه است. یوسف عزت خود را به خاطر رسیدن به خواسته‌های نفسانی زیر پا نگذاشت و از همین طریق توانست به استقلال و آزادی در درون و بیرون از وجودش دست یابد، در عصر کنونی هم همه باید بدانند که درست است که باید در هر دوره‌ای با دیگران ارتباط برقرار کرد، اما این ارتباط باید متضمن حفظ، استقلال، آزادی و حفظ عزت و ارزش‌های ملی باشد. زندگی همه انبیا نیز مصداق بارزی از نمونه و الگویی بی‌بدیل برای سبک زندگی اسلامی است و این توصیه مقام معظم رهبری به عنوان آخرین بند از توصیه‌های بیانیه گام دوم نشان از الگو قرار دادن زندگی سراسر آموزنده و بی‌نظیر پیامبری چون حضرت یوسف علیه السلام است. هر لحظه از زندگی برای انسان فرصتی هست، هر علمی که می‌آموزد، استاد و کتابی را که می‌بیند و می‌خواند برای وی فرصتی است، گاهی هرچالش و تهدیدی برای انسان فرصت است. تفاوت در بین انسان‌ها و تفاوت در آگاهی انسان‌هاست. باید دانست که چالش‌ها پایان زندگی نیست و مانند یوسف پیامبر علیه السلام می‌توان از آنها به فرصت‌سازی و الگو برای دیگران تبدیل کرد.

## نتیجه گیری

از آنچه شرحش ذیل آیات قرآن کریم و به ویژه سوره یوسف علیه السلام و سیره نورانی آن حضرت و تطبیق آن با بیانیه گام دوم انقلاب گذشت مطالب زیر به دست می‌آید:

داستان حضرت یوسف علیه السلام به جهت‌های مختلفی چون عاقبت بخیری عناصر داستانش، تضاد و تقابلی که در هر قسمت از این داستان به وجود می‌آید و تأکید ویژه خود خداوند به عنوان «أحسن القصص» از آن یاد می‌شود، این درحالی است که داستان زندگی پیامبران اولوالعزمی چون نوح قهرمان صبر و استقامت، حضرت ابراهیم علیه السلام قهرمان مبارزه با بت پرستی و حضرت موسی علیه السلام قهرمان تربیتی جمعیتی که گرفتار عصیانگری چون فرعون بودند، از چنین عنوانی برخوردار نیستند.

قرآن کریم به عنوان تنها منبع وحی، پس از ذکر نمونه‌های عالی از به معرفی داستان‌های دیگر، حضرت یوسف را به عنوان نمونه‌ای از مقاومت فعال در برابر تهدیدهای زمانش این درس را به رهروان مکتبش می‌دهد که این داستان پرمعنا درس‌هایی چون نجات سرنوشت یک ملت با یک خواب، عطوفت و مهربانی یوسف علیه السلام، صبر بر ناملازمات و اموری که بر وی روا می‌داشتند را در خود جای داده است.

باید دانست که ذاتاً درون تهدید، فرصت وجود ندارد و از آن جهت که تهدید است، آسیب‌زا، آفت‌زا است. تبدیل تهدید به فرصت بدین معنا است که در خلال آسیب‌ها، بحران‌ها و مشکلات، به ظرفیت‌ها، موقعیت‌ها و توانمندی‌های خود متمرکز شده و توجه نماییم و از آنها استفاده کنیم معنا پیدا می‌کند. به عبارتی دیگر، از این جهت تهدیدها زمانی تبدیل به فرصت می‌شوند که مسبب رجوع به ظرفیت‌ها باشند. تهدیدها موجب زایش فرصت می‌شوند. تهدیدها می‌توانند خاصیت زاینده‌گی و تولید داشته باشند که این به طور ثانوی و در بیرون از خوشان اتفاق می‌افتد.

چالش‌ها و تهدیدها را در هر زمانی می‌توان به فرصت به تبدیل کرد. چالش‌ها و مشکلات را خود انسان به وجود می‌آورد، چرا که خداوند مصدر الخیرات است و از او شری

صادر نمی‌شود.

داستان حضرت یوسف علیه السلام و بیان شاخص‌ها و راهکارهای عملیاتی آن حضرت در زندگی اش و منویات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب که بستری مناسب را پیش روی جوانان و آحاد مردم قرار دادند و هردو نشان از جهانی و عملیاتی بودن راهکارهای حضرت یوسف و فرمایشات رهبر انقلاب در این توصیه‌ها دارد.

فرصت‌ها منتظر کسی نمی‌مانند و به تعبیر روایات زودگذر هستند، گاهی چالش‌ها در زندگی با لباسی مبدل اند به سان برادران یوسف که باعث رشد و پیشرفت او شدند. به تعبیر واضح‌تر چالش‌ها فرصت‌هایی در لباس مبدل اند. باید بدانیم که عرض *واسعُهُ* خداوند پر از فرصت‌های عالی است و انسان‌هایی که تفکرات الهی‌گونه داشته باشند، باتوجه به رهنموندها و توصیه‌های رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم می‌توانند آنها را تبدیل به فرصت کنند و آن تمدن نوین را رقم بزنند.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم. ترجمه شیخ حسین انصاریان، تهران، دارالقرآن الکریم.
۲. نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، گردآوری: سید رضی، (نسخه صبحی صالح)، قم، انتشارات هجرت.
۳. ابن فارس، احمد بن ذکریا ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبد السلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام و الاسلامی.
۴. آمدی، عبدالواحد بن محمد. ۱۳۶۶ش، غررالحکم ودررالکلم، شرح آقا جمال خوانساری، تصحیح و تعلیق جلال‌الدین ارموی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق دکتر محمد جعفر یاققی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۶. تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۱)، مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز بررسی‌های استراتژیک جمهوری اسلامی.
۷. جهان بین، فرزاد، و مسعود معینی پور، فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر آیت الله خامنه‌ای، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره سی و نهم، زمستان ۱۳۹۳.
۸. حر عاملی، محمدبن حسن، ۱۳۹۱ق، وسائل الشیعه، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت.
۹. خویی، سید ابوالقاسم، بی تا، البیان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۱۰. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۰، «بیانات خطبه‌های نماز جمعه تهران، در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴، دز:

۱۲. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۰، «بینات در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه، در تاریخ ۱۳۹۰/۰۷/۲۰، دز:
۱۳. <https://farsi.khamenei.ir/sepeech-content?id=21252>.
۱۴. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۸، «تشکر رهبر از پزشکان و کادر درمان، در تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۵، دز:
۱۵. <https://farsi.khamenei.ir/sepeech-content?id=21252>.
۱۶. خامنه‌ای، سید علی، ۱۴۰۰، «سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران، در تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۰۱، دز:
۱۷. <https://farsi.khamenei.ir/sepeech-content?id=21252>.
۱۸. خلیلی، رضا (۱۳۸۳). «مقاله تحول تاریخی - گفتمانی مفهوم امنیت»، کتاب استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران ناشر، دوره ۷، شماره ۲۳: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۹۷-۱۴۶.
۱۹. خانی، علی عبدالله (۱۳۸۶). تهدیدات امنیت ملی (شناخت و روش)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۲۰. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، فرهنگ لغت، تهران، دانشگاه تهران.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴ق، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر الکتاب.
۲۲. سید رضی، محمد بن حسین، ۱۳۷۹، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، چاپ اول.
۲۳. سید حسن، مصباح، ۱۳۹۶، نقش معارف اهل بیت علیهم‌السلام در تمدن اسلامی، چاپ اول، قم، انتشارات مرکز بین‌المللی و نشر المصطفی.
۲۴. صفرپور، هادی و علی خیاط و محمد باقر فرزانه، تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی، سال بیست و چهارم،

شماره سوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۲۵. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، به کوشش احمد قیصرعاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن ۱۳۷۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل الله یزدی طباطبایی، هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو.
۲۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، ۲۰۰۸م، تفسیر القرآن العظیم، اردن / اربد، دار الکتب الثقافی.
۲۹. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام.
۳۱. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰، تفسیر العیاشی، به کوشش سید هاشم رسولی، تهران، چاپخانه علمیه.
۳۲. عمید، حسن، ۱۳۶۵ق، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم.
۳۳. فوزی، یحیی و محمود رضا صنم زاده، تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه، فصلنامه فرهنگ و تاریخ و تمدن، سال سوم، شماره نهم، ۱۳۹۱.
۳۴. قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۷، أحسن الحدیث، تهران، چاپ سوم، بنیاد بعثت.
۳۶. شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳)، تفسیر شریف لاهیجی، تحقیق میر جلال الدین حسینی ارموی (محدث)، تهران، چاپ اول، دفتر نشر داد.
۳۷. کریمی، علی و بابایی، اکبر (۱۳۹۰). امنیت ملی از منظر امام خمینی رحمته الله علیه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۳۸. معین، محمد، (۱۳۸۱)، فرهنگ معین، تهران: ادنا.
۳۹. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، مؤسسة الوفاء، بیروت.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۹، قصه‌های قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.